

تحلیل بررسی جایگاه زنان در شکل گیری انقلاب اسلامی و تداوم آن

زهرا ذاکری ، طیبه اطهری ، سمیه عباسیان نژاد

چکیده

زنان در جایگاهِ نیمی از جامعه ی بشری ، همواره نقش سرنوشت سازی در تحولات سیاسی - اجتماعی داشته اند ؛ اما نقش زنان در فرایند انقلاب اسلامی، همانند حکایت انقلاب از نوع و جنس دیگری است. زنان مسلمان با گزینش فرهنگ غنی اسلامی در مقابل فرهنگ غربی، پایه گذار جنبشی نوین در عصر انحطاط اخلاقی شدند. بررسی ها حاکی از آن است که زنان با پذیرش اسلام سیاسی، به عناصر انقلابی و مبارزاتی تبدیل شدند. مردان بزرگی که در سال های سیاه خفقان، در تدارک انقلاب بزرگ بودند، یقیناً بدون همراهی زنانشان، توانایی به انجام رساندن آن امور را نداشتند. در سال های ۵۶ و ۵۷ که زمان اوج گیری انقلاب اسلامی بود، حضور زنان انقلابی با ظاهر کاملاً اسلامی، بیش از هر چیز توجه ناظران سیاسی را به خود جلب می کرد. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تحولات عمیق و بنیادین در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور به وجود آمد که یکی از آن ها حضور فعال زنان در انقلاب و بالا رفتن منزلت زن در ایفای نقش سیاسی و مشارکت آنان در همه امور کشور و افزایش چشمگیر تعداد دختران دانش آموز و دانشجو و زنان معلم و استاد و مشاغل در سطوح مختلف اعم از قانونگذاری، اجرائی و سایر پست های حساس کشور، می باشد. موضوع و هدف کلی پژوهش حاضر، تحلیل بررسی جایگاه زنان در شکل گیری انقلاب اسلامی و تداوم آن می باشد؛ که برای رسیدن به آن از روش کتابخانه ای استفاده شده است.

واژه های کلیدی: زنان ، نهضت امام خمینی و انقلاب اسلامی

مقدمه

نهضت امام خمینی (ره) بزرگترین واقعه کشور ما محسوب می شود که یکی از مسائل قابل توجه در این نهضت، نقش و حضور گسترده زنان در تمام مراحل و صحنه های نهضت می باشد. زنان ایرانی با پیروی از اسلام ناب محمدی به کمالات انسانی و اخلاقی دست یافتند و با پذیرش اسلام سیاسی، به عناصر انقلابی و مبارزاتی تبدیل شدند. زنان علاوه بر مشارکت سیاسی، مردان و فرزندان خود را به هیجان می آورند تا ایثارگرانه در عرصه های دفاع از اسلام و مبارزه با استبداد وارد شوند. در سال های ۵۶ و ۵۷ که زمان اوج گیری انقلاب اسلامی بود، حضور زنان انقلابی با ظاهر کاملاً اسلامی، بیش از هر چیز توجه ناظران سیاسی را به خود جلب می کرد. این مسئله دلیلی بر نفوذ عمیق پیام انقلابی امام خمینی در سطح جامعه ایرانی بود.

زنان با هدف ساختن جامعه، سهم خویش را در مشارکت سیاسی افزایش دادند و رژیم در اجرای سیاست فاسد کردن و دور نمودن آن ها از مخالفت های ضد دولتی، چندان توفیقی پیدا نکرد؛ بلکه روز به روز زنان با رهبری امام خمینی (ره) با ارزش های اسلامی آشنا تر می شدند و بر حضور سیاسی خود می افزودند. انگیزه آنان برای حضور بیشتر، انجام تکلیفی بود که مرجع شان یعنی امام خمینی (ره) تعیین کرده بودند. تلاش رژیم پهلوی در بسیج اجتماعی زنان نه تنها آنان را به پشتیبانان شاه تبدیل نکرد؛ بلکه برعکس، آگاهی ای که زنان از رهگذر برنامه نوسازی غربی کشور به دست آوردند، علیه نظام شاهنشاهی به کار گرفتند و علی رغم این که حجاب همواره در تبلیغات رسانه ای و مطبوعاتی با تحقیر و انکار رو به رو بود و به معنای محرومیت از مزایای اجتماعی تلقی می شد، زنان چادری چون طوفان و سیل به راه افتادند و پایه های لرزان رژیم را لرزان تر کردند. زنان مسلمان با حضور و فعالیت خود در همه عرصه ها، اثبات نمودند که حجاب مانعی برای پیشرفت و تحول اجتماعی نیست و آنان قادرند حتی نظام سیاسی را با خطر سقوط مواجه کنند.

در پی اهمیت جایگاه سرنوشت ساز زنان در زمینه پیروزی انقلاب اسلامی، مقاله ی حاضر به جستجوی پاسخ این پرسش می باشد: زنان در شکل گیری انقلاب اسلامی و تداوم آن چه جایگاهی داشتند؟

۱- تئوری انقلاب اسلامی و شناخت ماهیت آن

در تفسیر و تحلیل انقلاب این اتفاق نظر وجود دارد که به هر نوع تحول و جایگزینی در نظام های اجتماعی و نهادهای سیاسی، انقلاب گفته نمی شود. انقلاب در آن گونه تحولات بنیادی و اصولی شکل می گیرد که جامعه از نظامی کهنه به نظامی نو تغییر شکل دهد. در این مرحله است که دیدگاه ها و تحلیل ها در زمینه انقلاب جنبه ارزشی و فلسفی پیدا می کند و بحث از قلمرو علوم سیاسی و جامعه شناسی، خارج می شود و تفسیر و تحلیل انقلاب، حال و هوای دیگری پیدا می کند. در چنین تحلیلی است که دیدگاه غرب در زمینه انقلاب با تحلیل مارکسیسم در دو سو قرار می گیرند و دیدگاه اسلام در برابر هر دو جایگاه ویژه ی خود را می یابد.^۱

انقلاب اسلامی را باید به مفهومی گسترده تر و برتر از آنچه که در تعریف انقلاب گفته می شود مورد مطالعه قرار داد. زیرا در عین اینکه بسیاری از این تعریف ها منطبق بر انقلاب اسلامی است، ولی در رابطه، جامع و مانع نیستند.

معمولاً در فرهنگ های سیاسی و علوم سیاسی، انقلاب را چنین تعریف می کنند: «سرنوشتی یک نظام اجتماعی کهنه و فرسوده و جایگزین کردن آن با نظام اجتماعی نو و مترقی» و «یا سرنوشتی حکومت طبقه یا طبقات رو به زوال و واپس گرا و جایگزین کردن آن با نظام اجتماعی جدید و پیشرو و حکومت طبقه و یا طبقات پیشرو و بالنده».

در برخی موارد برای آنکه تعریف عامی از انقلاب ارائه شود که شامل هر نوع تحول اساسی گردد، در تعریف انقلاب گفته شده است که «انقلاب عبارت از هر نوع تحول کلی و اساسی است».

در فلسفه ی سیاسی و علوم سیاسی - اجتماعی به انقلاب با دو دید متفاوت نگریسته می شود. انقلاب به مفهوم سیاسی آن، بیشتر به جانشینی ناگهانی و شدید گروهی که حکومت را در دست نداشته اند، به جای گروه دیگری که قبلاً قدرت سیاسی و اداره کشور را در اختیار خود داشته اند، گفته می شود. مفهوم انقلاب در دید جامعه شناسانه، بیشتر به امور اجتماعی مربوط می شود تا به امور سیاسی و به همین دلیل تحلیل شناسانه ی انقلاب عبارت است از باز یافتن ترکیب علل عمومی و علل فرعی که تار و پود رویدادها را به هم می

بافند. در تبیین جامعه شناسی انقلاب، بر نقش عنصر اراده ی انسانی و پیشرو بودن تحول انجام گرفته و تخریب و قهر آمیز بودن تأکید می شود.^۲

در مارکسیسم، انقلاب با مفهوم ایدئولوژیکی و همزاد با تحول اقتصادی مطرح می شود. به عقیده مارکس، انقلاب، ناشی از تکامل نیروهای مولد جامعه و تضاد آن با روابط و قالب سیاسی و اجتماعی موجود است. هنگامی که این قالب و روابط مانع رشد تولید می شوند، بحران، شدید می شود و عصر انقلاب های اجتماعی آغاز می گردد و بر خورد و تضاد طبقات حاکم و طبقات محکوم موجب انقلاب های خونین می شود. لنین که یک استراتژ و تاکتیسین انقلاب مارکسیستی محسوب می شود، برای موقعیت انقلابی سه نشانه ی عمده قائل شده است: نخست: بحران در قشرهای بالا، یعنی ناتوانی در طبقه استثمارگر در نگهداری بی کم و کاست سیادت خود؛ دوم: تضادهای اجتماعی بین طبقه حاکم و توده ای زیر فشار جمعیت بیش از حد؛ سوم: آمادگی طبقات انقلابی برای ادامه نبرد و فشار عمل انقلابی. مارکس وانگلس، بر انقلاب خشونت آمیز و هم بر امکان دگرگونی مسالمت آمیز جامعه تأکید کرده اند؛ ولی لنین، تحول مسالمت آمیز را موردی کاملاً نادر دانسته و انقلاب خشونت آمیز را محور اصلی قرار داده و قیام مسلحانه را روش تعیین کننده، قلمداد کرده است. از دیدگاه مارکسیسم این قوانین جبری حاکم بر جهان و جامعه است که انقلاب را در شرایط خاصی به وجود می آورد. در این تحلیل نقش انسان در انقلاب، سازنده و تعیین کننده نیست.^۳

۱-۱ مفهوم انقلاب اسلامی

دیدگاه اسلام در مورد انقلاب، با تفسیر و تحلیل غربی و مارکسیستی کاملاً متفاوت بوده و عامل عمده انقلاب، در تحلیل اسلامی، آرمانخواهی و عقیده به مکتبی است که نخست گروه پیشرو مجاهدان را وارد میدان مبارزه ی انقلابی می کند و سپس با بسیج توده های مردم، انقلاب را به درون جامعه می کشاند و انقلاب را به صورت مردمی به پیروزی می رساند. انقلاب از دیدگاه اسلام نوعی جهاد داخلی است که در آن گروهی برای خدا و فی سبیل الله می رزمند و گروهی دیگر مانع راه خدایند و بخاطر کفرشان می جنگند. این رو در رویی را قرآن در آیه ی ۱۳ سوره ی آل عمران مربوط به جنگ بدر چنین بیان می کند: «در برخوردی که بین دو گروه رخ داد، شما نشانه و معیاری روشن می یابید؛ یک گروه از اینان در راه خدا و برای ایمانش می جنگد و گروه دیگر بخاطر کفرش». «

کسی که آشنایی مختصر با انبیاء دارد و مسائل مربوط به استضعاف و استکبار را در قرآن مطالعه کرده؛ تردیدی به خود راه نمی دهد که تلاش و مبارزه و انقلاب در فرهنگ سیاسی اسلام در جهت منافع مستضعفان و محرومان است و اصولاً نهضت های رهایی بخش انبیاء، حتی بعثت پیامبر اسلام (ص) به سود و سوی مستضعفین بوده؛ ولی خواستگاه این نهضت ها و ریشه و عامل اصلی آن ها عقیده و ایمان به مکتب الهی است که فطرت انسان را مخاطب قرار می دهد و استثمارگر و استثمار شده را به حق و عدالت و ارزشهای الهی فرا می خواند. بی شک انقلاب اسلامی یک تحول اجتماعی - سیاسی ریشه دار و اساسی بوده که همراه جایگزین شدن نظام سیاسی نوین و توأم با انتقال قدرت به طور ناگهانی، در جامعه ما رخ داده است و قیام قهر آمیز توده های میلیونی نیز از عوامل تعیین کننده ی آن محسوب می شود. ولی مشخصه ی اصلی انقلاب اسلامی، شاخص های ویژه ای است که می توان در تعریف گونه ی زیر مورد مطالعه قرار داد: «انقلاب اسلامی عبارت است از دگرگونی بنیادی در ساختار کلی جامعه و نظام سیاسی آن، منطبق بر جهان بینی و موازن و ارزش های اسلامی و نظام امامت و بر اساس آگاهی و ایمان مردم و حرکت پیشگام متقیان و صالحان و قیام قهر آمیز توده های مردمی است.

۱-۲ ویژگی های انقلاب اسلامی

۱-۲-۱ عامل عقیده و ایمان: مردم بر اساس اعتقاد به امامت و تداوم آن و ایمان به مسئولیت عمومی در زمینه ی ایجاد حاکمیت قوانین و ارزش های الهی، هر گونه رابطه و همکاری با نظام های غاصب را نا مشروع و مردود می دانستند و عصیان در برابر حامیان این نظام ها و ریشه کن نمودن همه ی نماد های وابسته به آن ها را فریضه ای اجتناب ناپذیر تلقی می کردند.

۱-۲-۲ اسلامی بودن انقلاب: منظور از اسلامی بودن آن است که آرمان های انقلابی مردم، ریشه در ارزش های اسلامی داشت؛ و محتوا و شعار های انقلاب بر خواسته از مکتب بود؛ و خط مشی مبارزه و اصول آن از اسلام سر چشمه می گرفت.

۱- ۲- ۳ معنویت انقلاب اسلامی: معنویتی که در اسلام مطرح است و یکی از ابعاد بر جسته انقلاب اسلامی است و چون روح بر این کالبد دمیده شده، عبارت از اوج آمادگی انسان است که در عبودیت او در برابر خدا و اطاعت اوامر الهی متجلی می شود.

۱- ۲- ۴ قدرت رهبری و نفوذ معنوی آن: فلسفه ی امامت و تداوم آن که در ولایت فقیه در زمان غیبت امام معصوم (ع) متجلی می شود، از عوامل تعیین کننده در شکل گیری انقلاب اسلامی و پیروزی آن می باشد. پیروزی از ولی فقیه، اطاعت از فرمان امام معصوم و در نهایت اطاعت از رسول خدا است، که قرآن صریحاً در آیه ۸۰ سوره نساء می گوید: «هر کس پیامبر (ص) را اطاعت کند، بی تردید خدا را اطاعت کرده است».

۱- ۲- ۵ قیام یکپارچه مردم: قیام جمعیتی بزرگ و یکدل با حرکتی پرتلاش و هدفدار و هماهنگ روی خط رهبری، یکی از خصائص ممتاز انقلاب اسلامی است که تاریخ آن را کمتر به خود دیده است. این تشکیل و یکپارچگی، همه اقشار ملت را در بر می گرفت و بالاتر از آن، همه ی جریان های سیاسی را زیر پوشش خود دانست. اسلام تنها چیزی بود که این یکپارچگی را به وجود آورد.

۱- ۲- ۶ مراکز آگاهی بخش و پایگاه ها و کانون های اصلی نهضت: سه مرکز عمده در روند انقلاب اسلامی در آگاهی دادن به مردم، نقش تعیین کننده داشتند؛ نقش این مراکز که پایگاه ها و کانون های اصلی مبارزه و انقلاب بودند، در تعمیق و گسترش آرمان ها و شعار های انقلاب اسلامی در میان اقشار مختلف مردم، آنچنان بود که پیروزی انقلاب را سال ها به جلو انداخت و قدرت دستگاه حاکم و توطئه های عوامل آن را خنثی نمود و به مردم وحدت و یکپارچگی بخشید.

این سه کانون عبارت بودند از مسجد، حوزه علمیه و دانشگاه.^۱

۲- اهمیت و ضرورت موضوع

زنان در جایگاه نیمی از جامعه بشری، همواره نقش سرنوشت سازی در تحولات سیاسی - اجتماعی داشته اند؛ اما نقش زنان در فرآیند انقلاب اسلامی، همانند حکایت انقلاب، از نوع و جنس دیگری است. تلاش چندین ساله رژیم وابسته ی پهلوی برای انحطاط جامعه ی زنان و خنثی کردن تاثیرات انسانی و الهی آنان در تحولات سیاسی - اجتماعی جامعه ایرانی با ظهور جنبش روحانیت، به رهبری امام خمینی در سال ۱۳۴۱ نقش بر آب شد. زنان مسلمان با گزینش فرهنگ غنی اسلام در مقابل فرهنگ منفی غربی پایه گذار جنبشی نوین در عصر انحطاط اخلاقی شدند. زنان ایرانی با پیروی از اسلام ناب محمدی به کمالات انسانی و اخلاقی دست یافتند و با پذیرش اسلام سیاسی، به عناصر انقلابی و مبارزاتی تبدیل شدند. زنان علاوه بر مشارکت سیاسی، مردان و فرزندان خود را به هیجان می آوردند تا ایثارگرانه در عرصه های دفاع از اسلام و مبارزه با استبداد وارد شوند. همانگونه که حضور یک زن مبارز در خانواده عامل تحرک سیاسی خانواده بود، در ابعاد وسیع تر، حضور سیاسی زنان نقش بسیار سازنده ای در به صحنه در آوردن مردان انقلابی داشت، این رفتار الهی و سیاسی زنان منجر به بیان بسیار شیوای امام در تجلیل از زنان شد که فرمودند: «از دامن زن مرد به معراج می رود». زنان مبارز علاوه بر تحمل فراز و نشیب های مبارزاتی فراوان که از درگیر شدن مردانشان حاصل می شد، خود نیز تن به زندان و شکنجه و محرومیت های اجتماعی دادند. مردان بزرگی که در سال های سیاه خفقان در تدارک انقلاب بزرگ بودند؛ یقیناً بدون همراهی زنانشان، توانایی به انجام رساندن آن امور را نداشتند. نهضت امام خمینی (ره) بزرگترین واقعه ی کشور ما محسوب می شود، یکی از مسائل قابل توجه در نهضت امام خمینی (ره) نقش و حضور گسترده زنان در تمام مراحل و صحنه های نهضت می باشد. بنابراین بررسی و تحقیق و شناخت مسائل و قضایای مرتبط با آن، با توجه به اینکه زنان نیمی از جمعیت کشور ما را تشکیل می دهند و حضوری فعال در کشور دارند، از مسائل ضروری می باشد.^۲

در پی این ضرورت، این پژوهش بر آن است؛ تا جایگاه زنان در شکل گیری و تداوم انقلاب اسلامی را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

۳ - نقش سیاسی - اجتماعی زنان در حکومت پهلوی دوم

در زمان رضا شاه، زنان به دلیل کشف حجاب و استبداد حکومت، از فعالیتهای سیاسی - اجتماعی محروم شدند. با روی کار آمدن محمد رضا پهلوی، شاه جوان و بی تجربه، آزادی های سیاسی اندکی در کشور پدید آمد که یکی از نتایج آن افزایش سهم مشارکت توده زنان بود. این مشارکت در دوره حکومت دو ساله دکتر مصدق افزایش یافت؛ ولی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و استقرار دولت های مستبد، از فعالیت های توده زنان مسلمان کاسته شد.

۳ - ۱ قیام ۳۰ تیر: واقعه ۳۰ تیر ۱۳۳۱، نقش فعال زنان مسلمان ایرانی را نشان می دهد. به دعوت کمیته تمرکز مبارزات ملی که آیت الله کاشانی عضو آن بود در ظهر ۲۸ تیر، زنان و کودکان سراسر کشور، به پشت بام ها رفتند و برای سعادت و استقلال کشور اذان گفتند و دعا کردند. تنها زنان تهرانی نبودند که در قیام ۳۰ تیر شرکت جستند. در اصفهان هم زنان دست به اعتراض زدند. در این شهر سربازان در آغاز گلوله ها را به هوا شلیک کردند تا زنان و مردان را بترسانند؛ ولی آن ها صحنه را ترک نکردند. در کرمانشاه نخستین کرمانی زنی بود که طفلی در بغل داشت. فرمانده نظامیان، زن و طفل را با شلیک چند تیر از پای در آورد؛ سپس دستور قتل عام مردم را صادر نمود. در آبادان زنان به تلفن خانه آمدند و از آنجا به نمایندگان در تهران گفتند که ایستادگی خواهند کرد. سقوط حکومت چهار روزه قوام و تجدید زمام داری مصدقی ها، نشان داد تا زمانی که نهضتی از سوی قشر عظیمی از زنان مذهبی پشتیبانی می شود، نمی توان آن ها را در هم شکست.

۳ - ۲ مبارزه فرهنگی: بی گمان بانوی مجتهد سیده نصرت امین اصفهانی، برجسته ترین نمونه زن ایرانی است که به مبارزه فرهنگی علیه سیاست هایی در حکومت پهلوی دوم پرداخت که ارزش های اسلامی زن مسلمان را هدف گرفته بود. سیده نصرت با درک دقیق شرایط اجتماعی و مقتضیات زمانه، تکلیف خود را در مبارزه با آن دید و در این ره، مکتب و مدرسه بنیاد نهاد و آثاری به تالیف در آورد تا بتواند نهضتی را شکل دهد که در برابر موج منحط و اغواگر غرب گرا بایستد و سرانجام خود به یک حرکت تهاجمی تبدیل شود. فرزند بانو امین، حاج محمد علی می گوید: «او درس می خواند و درس می داد و به جریانات روز هم کاملاً واقف بود. بانو معتقد بود، زن در عین حالی که تحصیل می کند باید در جامعه هم حضور داشته باشد و به آن خدمت کند، به عقیده بانو اصفهانی تنها زنانی می توانند به اصلاح اجتماع بپردازند که خود ساخته شده باشند.

۳ - ۳ راهپیمایی ها و تظاهرات: مشارکت در راهپیمایی بزرگترین جلوه حضور زن ایرانی مسلمان در مخالفت با رژیم پهلوی بود. زنان در همه شهرها و حتی روستاها در راهپیمایی ها دیده می شدند و البته در شهرهای مذهبی تر و مناطق شهری، حضور فعال تری را به نمایش گذاشتند. فعالیت زنان در تظاهرات، شکل های متنوعی داشت؛ برخی تراکت توزیع می کردند، بعضی تا آنجا پیش می رفتند که در سنگر سازی در برابر پلیس شرکت می جستند و حتی برخی در واپسین روزهای حیات رژیم پهلوی، اسلحه به دست می گرفتند.

نیکی کدی می نویسد: «هنگامی که تهدید رژیم بالا می گرفت، این خانم های چادری با کمال شجاعت در صف جلوی تظاهرات حضور می یافتند». جان فوران نیز در این باره می گوید: «در تظاهراتی گسترده هزاران زن چادری، پیشاپیش صفوف جمعیت حرکت می کردند و با اینکار ضمن اینکه خطر را به جان می خریدند، از دامنه خطر می کاستند.» حضور زنان در پیشاپیش تظاهرات کنندگان، پیامی عرضه می کرد: اینکه انقلاب ما، منادی صلح است و لذا دست به خشونت نمی زنیم و مسئولیت آتش زدن بانک ها و تخریب اموال خصوصی را بر عهده مأموران دولتی می دانیم. مراقبت از مجروحان و انتقال آنان به مراکز درمانی یا مراکز امن را نیز باید به نقش زنان در راهپیمایی ها افزود.

۳ - ۴ تشویق مردان: این حقیقت را بارها امام خمینی (ره) امین ترین راوی انقلاب اسلامی تأکید کرده اند. از جمله: ۱. «آمدن شما خانم ها به خیابان ها و میدان های مبارزه موجب این شد که مردها هم قدرت پیدا کنند؛ تقویت بشوند؛ روحیه آن ها هم با آمدن شما تقویت بشود». ۲. زنان، مردان را تشویع کردند؛ لذا مردم ما مرهون شجاعت های زنان شیردل هستند». ۳. تشویق می کردند، زن ها، مردها را و خودشان در صف جلو بودند». ۱

۴ - زنان در نهضت امام خمینی

۴ - ۱ تحول در اندیشه

حضور سیاسی - اجتماعی زنان در سال های قبل از دهه چهل ، بیشتر بر اساس ضرورت ها صورت می گرفت و از این رو همیشگی و همه گیر نبود ؛ ولی رویکرد انقلابی امام خمینی (ره) حضور دایم زنان را در همه عرصه ها می طلبید . مهم ترین دلیل حضور پیوسته و همه جانبه تر زنان به تحولی بر می گشت که اندیشه های امام در آنان پدید آورد . نگرش الهی امام خمینی (ره) ، باعث شد تا قشر جدیدی از زنان در عرصه سیاست و اجتماع شکل گیرد و به تدریج مرز خود را با دیگر زنان جدا سازد . این دسته از زنان ، نه تابع الگوی زن مدرن غرب گرا بود و نه پیرو الگوی زن سنتی خانه نشین و بی تفاوت به امور اجتماعی - سیاسی . قشری جدید بود که با جذب نقاط قوت هر یک از این دو گروه ، تلاش می کرد از نقاط منفی آن ها بپرهیزد . مشخصه اصلی این گروه آن بود که در همان حال که غرب گرایی را بر نمی تافت ، با وفاداری به ارزش های مذهبی و الگو برداری از حضرت فاطمه (س) خود را از اجتماع کنار نمی کشید . بنابراین به شکلهای مختلف ، چون پخش اخبار ، توزیع اطلاعیه ها ، کمک به مجروحان ، پناه دادن به فعالان سیاسی ، شرکت در راهپیمایی ها ، شرکت در جلسات سیاسی ، بر پا کردن جلسات سخنرانی و ... به مدد نهضت اسلامی امام خمینی (ره) آمدند و در این راه چنان کوشیدند ، که امام سهم آنان را بیشتر از مردان دانست و از این جهت بر آنان درود و سلام فرستاد و پیروزی نهضت را مرهون شجاعت آنان شمرد .^۲

۴ - ۲ غائله انجمن های ایالتی و قیام ۱۵ خرداد

تحولی که امام برای تغییر نگرش درباره فعالیت های سیاسی - اجتماعی زنان آغاز کرد ، از همان ابتدا تأثیر خود را نشان داد . از آن رو وقتی رژیم پهلوی در اوایل دهه ۱۳۴۰ برای نخستین بار به زنان ایران اجازه شرکت در انتخابات داد ؛ بر خلاف تصور رژیم ، سیل عظیمی از مخالفت ها با این اقدام به پا خاست . آنچه برای رژیم عجیب تر جلوه می کرد ، حضور بانوان در اعتراض های گسترده علیه حق رای خود آنان (زنان) بود . اعتراض زمانی به اوج رسید که امام خمینی (ره) مخالفت خود را با تصویب نامه انجمن های ایالتی و ولایتی مطرح کرد . دلایل مخالفت امام و روحانیون کاملاً روشن به نظر می رسید ؛ ولی این شبهه از ناحیه رژیم شاه وجود داشت که روحانیت و امام با آزادی و حق رأی زنان مخالف اند ؛ اما دفاعیات روحانیت آن قدری قوی بود که شبهه افکنی رژیم در این باره سودی نبخشید . این دفاعیه عبارت بود از : زنان ایرانی از ابتدایی ترین حقوق انسانی ، همانند مردان محرومند ، و با توجه به این که شاه در خدمت آمریکاست ، ماهیت اعطای حق رأی زنان جز یک فریب ، اغفال و به فساد کشاندن نسوان ، چیز دیگری در بر ندارد ؛ البته هم با فرستادن چند زن به انجمن های ایالتی و ولایتی دردی دوا نمی شود . بنابراین مخالفت با تصویب نامه مخالفت با آزادی بانوان نبود ؛ بلکه مخالفت با توسعه فساد بود . به همین روی امام خمینی در همان زمان اعلام کرد : « ما با ترقی زن ها مخالف نیستیم . ما با این فحشا مخالفیم . مگر مردها در این مملکت آزادی دارند که زن ها داشته باشند ؛ مگر آزاد مرد و آزاد زن با لفظ درست می شود . »

نمونه های دیگری از مشارکت سیاسی زنان در واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ وجود دارد . از جمله در این میان نقش زنان غیور و مسلمان قم در جنبش و شورش ضد حاکم چشم گیرتر بود . در آن روز حساس ، صدها زن چادری شهر قم که در مکتب امام خمینی (ره) درس جهاد و انقلاب آموخته بودند ، با چوب و کارد و تبر و حتی قند شکن وسیخ کباب ، مسلح شده ، با فریاد خمینی ، خمینی به خیابان ها ریخته و حماسه ای تاریخی آفریدند . بسیاری از این زنان فداکار و انقلابی کودکان شیر خوارشان را به همراه آورده بودند ، کودکان را به کول بسته چادر ها را بر کمر زده و به حمایت و پشتیبانی قاعده بزرگ اسلام آمده بودند . ورود زنان به صف تظاهر کنندگان از جان گذشته ، مردان را تکان داد و به خروش افکند و بر شعله فروزان کینه های ضد رژیم پهلوی دامن زد . ص ۷۳ بر پایه این گزارش تاریخی ، زنان قم در حادثه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ، سه نقش را بر عهده داشتند : اول ، مردان را به قیام علیه دولت و حمایت از امام خمینی (ره) تشویق می کردند ؛ دوم ، خود نیز در راهپیمایی و تظاهرات ضد دولتی شرکت کردند ؛ سوم ، با ابزارهای ساده ، به درگیری با پلیس پرداختند . در سال هایی که نهضت امام خمینی ادامه داشت ، دانشجویان دختر به عنوان قشر جدیدی از زنان مسلمان ، بیشتر از طبقه متوسط جامعه ، به نهضت ملحق شدند و نقش برجسته ای ایفا کردند . به عنوان مثال ، چهار هزار دانشجوی دختر و پسر ، شعار « تو اگر بر خیزی ، من اگر بر خیزم ، همه بر می خیزند . » را در بهمن ۱۳۴۸ و در مقابل در اصلی دانشگاه تهران سر دادند . آن ها در کنار زنان دیگری که

دانشگاهی نبودند، ولی خواسته هایشان با دانشجویان یکسان بود؛ به مبارزه علیه رژیم ادامه دادند و حتی زندان ها را به جان خریدند. نمونه ای از این زنان، خانم دباغ است که در اواخر سال ۱۳۵۲ همراه دخترش، در زندان قصر زندانی بود. او را به زور از حجاب منع کردند؛ به گونه ای که از نداشتن حجاب چنان در عذاب بود که برای رفتن به سرویس بهداشتی، یا از لباس های زیر اضافی یا از پتوی سربازان کف سلول به عنوان حجاب، استفاده می کرد.^۱

۴-۳ فاطمه (س) الگوی زن مسلمان

هدف تمام اقدامات و برنامه های رژیم از قبیل کشف حجاب، انتشار مجلات میتدل، فیلم های سینمایی و سریال های تلویزیونی نامناسب، اختلاط زن و مرد و برنامه های متعدد فرهنگی کوتاه و بلند مدت دیگر (مانند جشن هنر شیراز)، تحمیل الگوی غربی بر زنان مسلمان بود. با شروع نهضت امام خمینی و با تحولی که در نتیجه رهنمودهای ایشان و دیگر اندیشمندان در زنان ایجاد شد، آنان مصمم شدند که برای مقابله با الگوی تحمیلی رژیم، الگویی اسلامی برای خود برگزینند و چه الگویی بهتر از حضرت فاطمه (س) که اعمال و افکار ایشان می تواند بهترین الگو برای هر زن مسلمان باشد. پس زنان با انتخاب این الگو، به تمام برنامه ها و تبلیغات رژیم نه گفتند و این نیز یکی از بزرگترین شیوه های مبارزاتی زنان بود.^۲

۵- نظر امام خمینی در باب مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان در جامعه اسلامی

امام خمینی رهبر کبیر انقلاب با رهنمودها و سخنان سازنده ی خود، زنان را برای دستیابی به آینده ای بهتر و رهایی از دامی که رژیم پهلوی برای آنان گسترده بود آماده کردند و آنان را به صف مبارزه کشاندند. امام در سخنرانی روز ۱۸ آبان ۱۳۵۷ در پاریس، با رد تبلیغات سوء مخالفان نهضت، موضع خویش را در قبال نقش زنان در اجتماع چنین بیان کردند: «این حرف های اشتباه و این چیزهایی که در خارج درست کرده اند، همه به خاطر آن است که خدای ناخواسته یک وقتی بعضی از جوانان ما هم به اشتباه بیفتند که مبدا یک چنین چیزی باشد و مبدا یک وقت اسلام بیاید و در خانه را به روی زنان ببندد و قفل کند تا دیگر از خانه بیرون نیایند».

ایشان همچنین در مصاحبه با روزنامه ی نیوز آمستر دام در ۱۸ آبان ۱۳۵۷، موضع خویش را در قبال نقش زنان در اجتماع اعلام کردند و زنان را به آینده ای روشن امید وار نمودند و با این تدبیر، توانستند همچنان زنان را در صحنه نهضت نگه دارند.

امام در پاسخ سوال نماینده ی سازمان بین الملل در ۱۹ آبان ۱۳۵۷ که از ایشان پرسید: «از نظر اسلام زنان تا چه حد مجازند در ساختمان بنای حکومت اسلامی شرکت نمایند؟»؛ فرمودند: «زنان از نظر اسلام نقش حساسی در بنای جامعه اسلامی دارند و اسلام، زن را تا حدی ارتقاء می دهد که او بتواند مقام انسانی خود را در جامعه باز یابد و از حد شیء بودن بیرون بیاید و متناسب با چنین رشدی می تواند در ساختمان حکومت اسلامی مسئولیت هایی بر عهده بگیرد»

امام در مصاحبه ای با روزنامه اطلاعات در ۳ بهمن ۱۳۵۷ فرمودند: «زنان همچون مردان در ساختمان جامعه اسلامی فردا شرکت دارند، آنان از حق رأی دادن و گرفتن برخوردارند».

پس از پیروزی نهضت، امام از مشارکت زنان در سیاست، استقبال کردند و با رهنمودهای خویش زمینه را برای آن فراهم آوردند و در اولین قدم، زنان را به شرکت در انتخابات ۱۲ فروردین دعوت کردند. امام در پیامی در این باره فرمودند: «همه شما باید رأی بدهید، رأی به جمهوری اسلامی، نه یک کلمه کم، نه یک کلمه زیاد، شما هم باید رأی بدهید، شما هم فرقی با سایرین ندارید، بلکه شما مقدمید بر مردها».

زنان به پیروی از حضرت امام، در انتخابات شرکت فعالی داشتند و به این طریق، قدم بزرگی در راه پیشبرد انقلاب برداشتند. امام بارها به این مسئله اشاره کردند و ضمن تقدیر از آنان، خواستار ادامه حضورشان در صحنه شدند.

از بیانات امام در این باره چنین است: «ما همه رأی به جمهوری اسلامی دادیم، شما هم دادید، رأی تنها کافی نیست، رأی همین قدر است که رسماً الان مملکت ایران رژیمش جمهوری اسلامی است؛ لکن وقتی به حسب واقع جمهوری اسلامی می شود که شما خانم ها به وظیفه تان عمل کنید و این آقایان هم به وظیفه شان؛ و هم ما خودمان را وظیفه دار و مکلف بدانیم».^۱

۶ - تشریح مختصر حضور زنان در ایام مختلف انقلاب و نقش آنان در پیروزی انقلاب

بررسی حوادث سه ماهه آخر سال ۱۳۵۶ و بهار ۱۳۵۷ نشان می دهد که شاه در برابر سیر نهضت غافلگیر شده ، هرگز خطری را که تاج و تخت او را تهدید می کرد ، به خوبی درک نکرده بود . آمریکایی ها هم که به او خط می دادند ، اغفال شده بودند ؛ به طوری که در مذاکرات شاه - کارتر در آمریکا و نیز در بازدید رئیس جمهور آمریکا از تهران ، گفت و گوهای سران دو کشور ، به تحکیم روابط و مسائل بین المللی محدود بود . تحلیل آنان این بود که حوادث پیش آمده مهار شدنی و در چارچوب فضای باز سیاسی قابل توجیه است . کارتر بی خبر از جریان نهضت ، شایستگی محمد رضا شاه را ستود و از اهمیت دوستی دو ملت یاد کرد و ایران را جزیره ی ثبات نامید . شاه نیز می خواست با پشتیبانی آمریکا و تکیه بر قدرت ارتش و نیروهای انتظامی و ساواک نهضت را سرکوب کند . ولی آنچه تمام این تصورات را نقش بر آب کرد ، رهبری قدرتمندانه و مدبرانه ی امام و ثبات قدم مردم در راه نهضت بود . امام (ره) مبارزه با رژیم را در آغاز سال ۵۷ ، با قدرت تمام آغاز کرد . ایشان در اولین گام ، پیامی به مناسبت اربعین شهدای ۲۹ بهمن تبریز ، برای مردم فرستادند و آنان را برای تشدید مبارزه با رژیم دعوت کردند . هر چند در سراسر سال ۵۷ ، در تمامی نقاط کشور تظاهرات و راهپیمایی های گسترده ای علیه رژیم داده شد ولی در این مبحث به طور مختصر به مقاطعی که زنان نقش و حضور فعالی داشته اند ، پرداخته می شود . در ۲۵ اردیبهشت ، اولین تظاهرات مستقل زنان در سال ۵۷ ، در شهر ساوه برگزار شد . ابتدا ۷ زن با در دست داشتن پرچمی که روی آن نوشته شده بود : « ما پیرو قرآنیم » اقدام به تظاهرات کردند . به پیروی از آنان ۲۰۰ دانش آموز دختر که بیشتر متعلق به دبیرستان ثریا بودند ، به خیابان ریختند و راهپیمایی کردند . حضور زنان در فرایند انقلاب اسلامی چشمگیر بود ؛ آنان با تظاهرات باشکوه خود به سیر بیداری کمک کردند . شرکت گسترده در نماز عید فطر سال ۵۷ و تظاهرات های پس از آن ، یکی از عظیم ترین صحنه های حضور زنان در نهضت امام خمینی بود که در سراسر کشور بر پا شد و باز تاب گسترده ای داشت . باشکوه ترین مراسم نماز عید فطر و راهپیمایی ، پس از آن در تهران انجام شد . پس از نماز ، راهپیمایی عظیمی بر پا شد و هزاران زن شرکت کننده ، همگام با مردان ، خواست ها و تقاضاهای خود را فریاد کشیدند . پس از راهپیمایی عظیم روز عید فطر ، در ۱۷ شهریور ، زنان و مردان همنا با هم در گوشه ای از میدان شهر علیه رژیم شعار دادند . در همین هنگام ، هلی کوپتری نظامی بالای سر جمعیت ظاهر شد و سپس مسلسل از آن بیرون آمد و مردم را به رگبار بست و تعداد زیادی را شهید و مجروح کرد . مراسم چهلیم شهدای ۱۷ شهریور نیز با عظمت و حضور گسترده زنان برگزار شد . با شروع ماه محرم ، مبارزه ها دوباره اوج گرفت . با هماهنگی هایی که انجام شده بود ؛ در شب جمعه ، دهم آذر ، اول ماه محرم ، تظاهرات وسیعی در تهران و شهرستان ها برگزار شد که در مبارزه های مردم ایران سابقه نداشت . روزنامه اطلاعات در این باره چنین نوشت : در روز تاسوعا ، اکثر زنان با چادر سیاه در صفوف منظم با در دست داشتن عکس هایی از امام و شعارهای مختلف به راه افتادند و همراه مردان خواست های خود را اعلام کردند ؛ در روز عاشورا هم بنابر گزارش ساواک ، تعداد آنان سه برابر شده بود . یک نمونه شعارهای روزهای تاسوعا و عاشورا چنین بود : « ای خواهر فریادت را شنیدم ، به سویت پر کشیدم ای خواهر من » بر اساس لیست روزنامه اطلاعات ، تعداد زنان شهید در این دو روز ۸ نفر بود .

۶ - ۱ راهپیمایی زنان در ۱۷ دی ماه سالگرد کشف حجاب

تظاهرات های باشکوه روزهای تاسوعا و عاشورا دولت نظامی ازهاری را با شکست مواجه کرد و مبارزه های مردم را شدت بیشتری داد . شاه آخرین حربه ی خود را به کار برد و به شاپور بختیار متوسل شد . بختیار با ۱۲ تن ، کابینه ی خود را تشکیل داد و در روز ۱۳ دی ، از مجلس سنا و پیش از مجلس شورا ، رأی تمایل گرفت و روز ۱۶ دی ماه ، بدون رعایت تشریفات معمول دربار ، دولت خود را به شاه معرفی کرد . بختیار زمانی روی کار آمد که در سراسر کشور ، مبارزه های مردم رژیم را به عقب نشینی سریع واداشته بود . در این روزها زنان با قدرت بیشتری قدم به میدان مبارزه گذاشته بودند . در روز ۱۷ دی ماه ، رژیم با برنامه کشف حجاب اولین گام اساس خود را علیه زنان مسلمان برداشته بود ؛ به همین سبب زنان میهن ، برای محکومیت رژیم ، حضور فعالی در حرکت های سالگرد این روز از خود نشان دادند . در این میان ، زنان خراسان که همیشه در مبارزه های زنان در نهضت پیشقدم و الگو بودند ، فعالیت های بیشتری از خود نشان دادند . جو مشهد از همان آغاز دی ماه بسیار متشنج بود و مبارزان آخرین ضربات را به رژیم وارد می آوردند . مشهد در روزهای نهم تا یازدهم دی ماه شاهد خونین ترین راهپیمایی ها و تظاهرات ها بود . بر اساس آمار ، در این روزها ۶۰۰ نفر کشته و یک هزار نفر مجروح شدند . در ادامه این جریانات در روز ۱۶ دی ، اعلامیه ای از سوی آیت الله طباطبایی قمی انتشار یافت که در آن از زنان استان خراسان دعوت شده

بود، تا در روز ۱۷ دی در اعتراض به واقعه کشف حجاب، پس از اجتماع در منزل ایشان به راهپیمایی علیه رژیم پرداختند. در این اعلامیه آمده بود زنانی که قادر به آمدن به مشهد نیستند، همین راهپیمایی را در شهرهای خود انجام دهند. روز بعد به پیروی از این اعلامیه، تعداد زیادی از زنان مشهد، که روزنامه کیهان، رقم ۲۰۰ هزار نفر را برای آن ذکر کرده است؛ در اطراف منزل آیت الله قمی اجتماع کردند و پس از آن به تظاهرات در شهر پرداختند. همگام با مشهد در سایر شهرهای استان خراسان از جمله تربت حیدریه و بجنورد نیز زنان به پیروی از اعلامیه آیت الله قمی، در حالی که عکس هایی از امام و سایر آیات عظام با خود همراه داشتند؛ به راهپیمایی پرداختند و سیاست های رژیم را محکوم کردند. در شهرهای بابل، سمنان و اهواز نیز زنان و مردان زیادی، اقدام به برپایی یک راهپیمایی بزرگ کردند. در اجتماعی در اهواز، یکی از زنان سخنرانی کرد و با محکوم کردن سیاست های رژیم در قبال زنان، درباره ی آزادی زنان چنین گفت: «جامعه زنان ایران می توانند از آزادی و حقوق حقه ی خود که دین مبین اسلام به آنان ارزانی داشته است، نهایت بهره را بگیرند، ولی این استفاده باید در حجاب زن باشد». پس از او آیت الله خز علی در یک سخنرانی ضمن شمردن فجایع اخیر و کشتار مردم به دست حکومت، به آزادی زنان اشاره کرد و گفت که آزادی زنان چیز تازه ای نیست؛ زیرا حقوق حقه ی زن را در ۱۴ قرن پیش، شرع مقدس اسلام منظور داشته است. در این مقاطع حساس و سرنوشت ساز انقلاب، حضور زنان و قرار گرفتن آنان در کنار مردان، به امری بدیهی و حتی ضروری تبدیل شده بود؛ هر اعتراضی و هر نمادی از آن، بدون حضور زنان و دختران به یقین صورت نمی گرفت و حضور زنان به جزو لاینفک مشارکت سیاسی و انقلابی گری تبدیل شده بود.

۶-۲ خروج شاه

سرانجام شاه در ۲۶ دی ماه، کشور را ترک کرد. مردم خروج او را از ایران که نقطه عطفی در تاریخ نهضت به شمار می آمد، جشن گرفتند. زن و مرد با شعارهای تازه ای مانند «به همت خمینی، شاه فراری شده» یا «تا مرگ شاه خائن، نهضت ادامه دارد.» در خیابان ها حرکت کردند. راهپیمایی عظیم روز اربعین به بختیار ثابت کرد که انقلاب مهار ناشدنی است و سقوط رژیم پهلوی امری حتمی می باشد. خبر آمادگی امام برای بازگشت به ایران، فضایی انقلابی را تشدید و مردم را در سرنوشتی قطعی رژیم مصمم کرد. و با شعارهای «مرگ بر شاه»، «بختیار نوکر بی اختیار»، «وای به حال بختیار!»، دولت بختیار را محکوم کردند و بازگشت امام را خواستار شدند و او را ناچار کردند فرودگاه را برای بازگشت امام باز بگذارد. در نهایت امام در ۱۲ بهمن سال ۱۳۵۷ با استقبال پر شکوه ملت، پس از ۱۵ سال تبعد، پیروزمندانه وارد میهن شدند.^۱

۷- زنان در سال های نخستین پس از انقلاب اسلامی

دوره ای که از پیروزی انقلاب اسلامی آغاز و با شروع جنگ تحمیلی پایان می پذیرد؛ دوره تثبیت ارزش های دینی و مذهبی در زنان است؛ ارزش هایی که زنان بر پایه آن، انقلاب را در نیل به پیروزی مدد رساندند. زنان با حضور سیاسی خود در سال های انقلاب، به نفی دو اندیشه و تفکر پرداختند: اندیشه ای که فعالیت سیاسی را برای زنان حرام می دانست و عقیده ای که زن را یک شیء زیبا و لوکس می خواست. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نوبت آن رسید که زنان نشان دهند زن مسلمان نه در قالب اندیشه متحجرانه مقدس مآب های مذهبی تعریف می شود و نه در چارچوب تفکر مدرنیته روشنفکر مآب ضد دینی. بنابراین، او برای نهادینه کردن الگوی جدید زن مسلمان به ایفای نقش های جدید و ویژه ای می پرداخت.

۷-۱ مسؤولیت پذیری: یکی از مسؤولیت های جدیدی که زنان بر عهده گرفتند، مشارکت در امر جهاد سازندگی بود. امام تاکید و درخواست می کرد که بانوان و مردان به ساختن خرابه های بر جای مانده از رژیم ستم شاهی بپردازند؛ زیرا معتقد بود که این خرابه ها تنها به دست مردان ساخته نمی شود؛ بلکه زنان هم باید در ترمیم آن مشارکت جویند. مقام معظم رهبری هم فرموده: «زن بایستی در میدان تلاش و جهاد عمومی و فعالیت های مشروع همگانی و در زمینه های سازندگی به اشکال گوناگون و در طیف وسیع حضور داشته باشد». پذیرش مسؤولیت های تازه، از زنان ایرانی عنصری ساخت که امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری آن را این گونه وصف می کنند: ۱. «امروزه زنان در جمهوری اسلامی، هم دوش مردان در تلاش سازندگی خود و کشور هستند.»

۲. «مجموعه زنان کشور ما از همه جای دنیا بهترند. وقت کار که می رسد، کار سیاسی، فرهنگی و تشکیلاتی جلو هستند؛ وقت جهاد که می رسد، فرزندان خودشان را به جبهه می فرستند؛ وقت خانه داری و تربیت اولاد که می رسد، کدبانوهای خانه دارند؛ همه ی این ها در دنیا کمیاب است.»

۷-۲ جنگ تحمیلی و نقش های مختلف زنان

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، زنان هنوز نیاسوده و خستگی مبارزه طولانی علیه رژیم پهلوی را از تن بیرون نکرده بودند که ناچار شدند برای دفاع از انقلاب، به ایفای نقش های تازه تر در عرصه های جدیدتر بپردازند. آنان مقابله با بحران هایی را که در گوشه و کنار، به ویژه در کردستان بر پا شد، جزء وظیفه خود می دانستند؛ ولی آنچه پس از حدود ۱/۵ سال پس از پیروزی، زنان را به کمک و مساعدت بیشتر طلبید، جنگ تحمیلی بود که هشت سال به نظاره رشادت های زنان و مردان مسلمان ایرانی نشست. به علت گستردگی فداکاری زنان در عرصه دفاع مقدس، احصای همه ایثارگری ها ممکن نیست و تنها به بخش کوچکی از آن می توان اشاره کرد.

۷-۳ نقش رزمی زنان: نخستین مسئولیت جنگی که زنان به صورت خود جوش و همپای مردان بر عهده گرفتند، جنگیدن با دشمن بعثی بود. آنان حتی به جنگ تانک های عراقی رفتند که قصد داشتند از مرز شلمچه بگذرند. تهیه و به کاربردن کوکتل مولوتف، ابتدایی ترین کار رزمی زنان بود. آنان بعدها خود را به سلاح مجهز کردند تا مردانه با دشمن بجنگند. از جمله کارهای زنان رزمنده در خرمشهر، مراقبت از سلیحات، تسلیح رزمندگان، نگهداری از پیکر شهیدان و توزیع سلاح بین رزمندگان بوده است. در گیلان غرب و در شادگان زنان چند سرباز بعثی را به اسارت در آوردند. خانم فاطمه نواب صفوی، همراه گروه چریکی شهید چمران و در ناحیه سوسنگرد، اسلحه به دست گرفت و جنگید. یک زن سوسنگردی با آرد مسموم، نان پخت و با آن تعدادی از عراقی ها را از پای در آورد و باز در این شهر مادر شهید الهانی، یازده سرباز عراقی را به خانه اش دعوت کرد و به آن ها غذا داد. زمانی که سربازان به استراحت پرداختند و به خواب رفتند، در اتاق را قفل می کند و بسیجی ها را با خبر می سازد و خود او هم با چوب دستی به جان آنها افتاد. صحنه های رزم زنان، اگر چه اندک بود؛ ولی تأثیر عمیقی بر روحیه رزمندگان داشت.

به علاوه زنان نقش های اطلاعات رزمی فراوانی را انجام دادند. خانم حورسی از مدافعان خرمشهر در این باره می گوید: «ما از آن لحظه ای که به نیروهای شناسایی ملحق شدیم، کار شناسایی دشمن، خنثی کردن بمب، شناسایی ضد انقلاب و پیدا کردن رد پای آن ها در شهر و روستاها را دنبال کردیم». خواهران بسیجی هم در لباس امدادگر و پرستار به شناسایی منافقینی دست می زدند که به صورت ناشناس به بیمارستان ها سر می زدند، تا به آمار شهدا و مجروحان جنگ و... دست پیدا کنند و آن را در اختیار عراق دهند.^۱

۷-۴ زنان ایرانی در عرصه های بین المللی

فعالیت زنان، از سال های آغازین انقلاب اسلامی تا پایان دفاع مقدس، بیشتر معطوف بر داخل کشور بود و تأسیس دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری (۱۳۷۰) نشان از اراده و عزم ملی برای حل مسائل باقی مانده زنان و گسترش مشارکت آنان در عرصه های داخلی و خارجی داشت. در سال ۱۳۷۶ دفتر امور زنان به مرکز مشارکت امور زنان تغییر یافت، این تغییر نشان از ضرورت تلاش زنان در دو عرصه ملی و بین المللی دارد. همزمان با این تحولات، این ایده در زنان تقویت شد که می توان با صورت مشروط و با حفظ اصول، در ماورای مرزها به فعالیت پرداخت و از فرصت ها بهره جست و از خسارت هایی که کناره گیری از مجامع بین المللی را ممکن است پدید آورد، دوری کرد.

۷-۵ بیداری اسلامی: زنان ایرانی از فردای پیروزی انقلاب اسلامی، خویش در صدد بر آمدند تا پیام انقلاب اسلامی را به جهان و جهانیان برسانند. این حرکت خوشایند غرب نبود. ولی زنان ایرانی بدون توجه به آشفتگی، به صدور پیام انقلاب اسلامی ادامه دادند تا حدی که حضور زنان ایرانی در انقلاب اسلامی به الگویی برای زنان کشورهای اسلامی در آمد. به گونه ای که زنان شیعه لبنانی به تدریج

بیدار شدند و برای دفاع از خود در مقابل اسرائیل به کلاشنیکف و بمب های دست ساز روی آوردند. زنان نمی خواهند با پذیرفتن حجاب از جامعه قطع رابطه نمایند و این همان الگویی است که زنان انقلابی ایران به آن عمل می کنند.^۲

۶-۷ تحولات اساسی در داخل کشور: با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تحولات عمیق و بنیادین در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور به وجود آمد که یکی از آن ها حضور فعال زنان در انقلاب و بالا رفتن منزلت زن در ایفای نقش سیاسی و مشارکت آنان در همه امور کشور و افزایش چشمگیر تعداد دختران دانش آموز و دانشجوی و زنان معلم و استاد و مشاغل در سطوح مختلف اعم از قانونگذاری، اجرائی و سایر پست های حساس کشور می باشد.^۳

۸- نتیجه گیری

نتایج حاصل از تحقیق عبارتند از:

۱- هدف اصلی انقلاب اسلامی در داخل کشور، ایجاد حکومت اسلامی؛ و از نظر سیاست جهانی و روابط خارجی اجرای سیاست نه شرقی و نه غربی؛ و از نقطه نظر جهان اسلام، تحقق بخشیدن به آرمان وحدت اسلامی بود.^۱

۲- تجربه ی شکست برنامه کشف حجاب رضاشاه، به جانشین او آموخت که برای موفقیت در این زمینه، تنها نباید به زور متوسل شود، بلکه باید بیشتر از برنامه ها و تبلیغات فرهنگی استفاده کند؛ بنابراین وی از ابزارهایی مانند مجلات مبتذل، اتحادیه زنان و برنامه هایی مانند جشن هنر شیراز استفاده می کرد؛ اما گسترده ترین برنامه های شاه بدین منظور، انقلاب سفید و مسئله ی حق رأی زنان بود که با واکنش سریع علما و در رأس آنان امام خمینی رو به رو شد و اولین شعله های نهضت اسلامی را روشن کرد.^۲

۳- امام با نگاه ابزاری و مادی به زنان به مخالفت برخاست؛ این نگرش جدیدی بود که بر اساس آن شأن و منزلت معنوی زن احباء می شد و کرامت انسانی به او باز می گشت. زن مربی جامعه و مبدأ همه سعادت ها تلقی می شد؛ لذا زنان با هدف ساختن جامعه، سهم خویش را در مشارکت سیاسی افزایش دادند و رژیم در اجرای سیاست فاسد کردن و دور نمودن آن ها از مخالفت های ضد دولتی، چندان توفیقی پیدا نکرد؛ بلکه روز به روز زنان با رهبری امام خمینی (ره) با ارزش های اسلامی آشناتر می شدند و بر حضور سیاسی خود می افزودند. انگیزه آنان برای حضور بیشتر، انجام تکلیفی بود که مرجع شان یعنی امام خمینی (ره) تعیین کرده بودند.^۳

۴- در فاصله قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ تا سال ۱۳۵۶، زنان اغلب دوره های آموزشی را می گذراندند و مبارزات آنان بیشتر جنبه تبلیغاتی داشت. در سال ۵۶، با اوج گیری نهضت، بار دیگر زنان، حضور فعال خود را در تظاهرات ها و راهپیمایی ها نشان دادند.

۵- در سال ۱۳۵۷ - سال پیروزی انقلاب اسلامی، حضور زنان در عرصه های مبارزاتی کمتر از مردان نبود؛ مانند نماز عید فطر، یا راهپیمایی عظیم تاسوعا و عاشورا، که زنان در سراسر کشور در آن شرکت فعال داشتند.

۶- در مبارزات سال های ۵۶ و ۵۷، تحولات قابل توجهی در مبارزات زنان انجام شد؛ مانند اعتراض های گسترده به برنامه های ضد مذهبی رژیم در قبال زنان که نمونه ی آن تظاهرات روز ۱۷ دی در سراسر کشور بود؛ همچنین شکل گیری گروه ها و جنبش هایی که با انتشار اعلامیه و بیانیه زنان را به مبارزه ترغیب می کردند و به مبارزاتشان شکل می دادند.

بدین ترتیب زنان با حضور فعال و سازنده ی خود در تمام مراحل نهضت، نقش عمده ای در به ثمر رساندن نهضت ایفا کردند و پس از آن نیز برای حفظ دستاوردهای آن از پای نشستند، که نمونه ی آن، مشارکت در امر جهاد سازندگی و شرکت وسیع آنان در دفاع مقدس بود.^۴

منابع

- ۱ - شیروودی، مرتضی (۱۳۹۱). نقش سیاسی - اجتماعی زنان در تاریخ معاصر ایران، قم: زمزم هدایت.
- ۲ - طهماسبی کیهانی، ساسان (۱۳۸۵)، نقش زنان در نهضت امام خمینی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۳ - عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۷)، انقلاب اسلامی و ریشه های آن، تهران: نشر کتاب سیاسی.
- ۴ - عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۴)، انقلاب اسلامی و ریشه های آن، تهران: طوبی.
- ۵ - عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۵)، گزیده کتاب انقلاب اسلامی و ریشه های آن، تهران: طوبی.